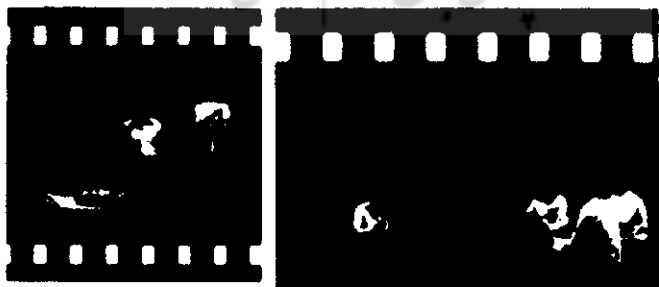
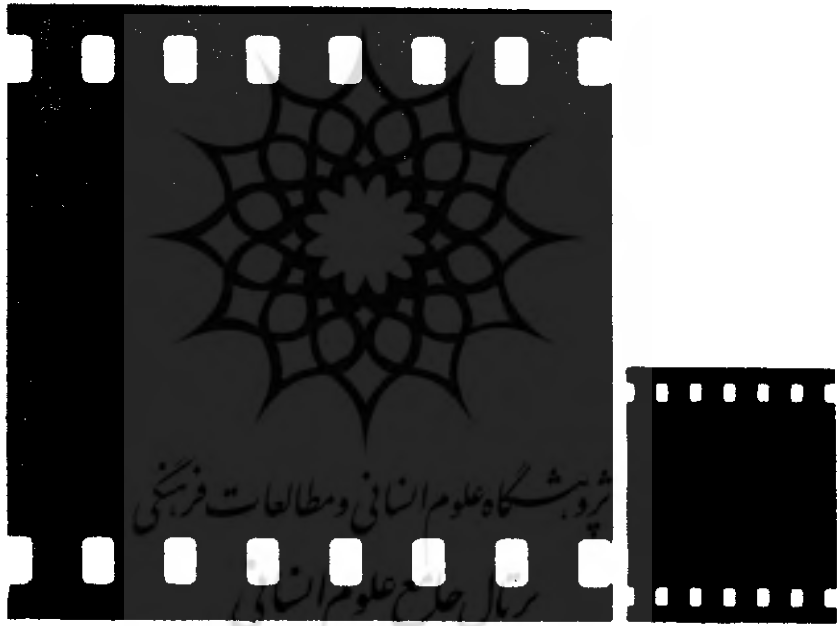


تاهولس



● سینما

● توجیه، نمادی از ستیزها و گریزها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی هادی
پرتال جامع علوم انسانی

نگرشی کوتاه بر فیلم توجیه
حاصل واحد سینمایی حوزه اندیشه و هنر اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

توجیه را میتوان زبان گویای بیانی واقع گرایانه از آنچه در مقطعی نامناسب بر جامعه سرزمینمان حاکم بوده است نام برد.

آنچه را که در این بینش به تماشا می نشینی بر خودی است آگاهانه و مسئولانه و نمادی است از ستیزها و گریزهای ناشی از فضائی آلوده بر سرزمینی در آستانه رهایی از سلطه اندیشه داران ناموزون شکل پذیرفته از استعمار.

فرم، اجرا و ارائه شخصیتها و زوایای نگرشی این رخ داد، نیازی بود که در این مقطع بیانش بازتاب رخ دادهای گذشته را به قضاوت کشاند.

این پندار که توجیه چرا بیانی است قاطع خود اندیشه ای است آشکار و ما حاصل اینکه ارائه بازی، نور، صدا و دیگر اجزاء ساخت کار مطلوب در سینما را میتوان موفقیتی عظیم دانست که خود حرف و گفتگوی بسیار دارد.

این برخورد و نوع نگرش به آنچه امروز بعنوان رگ حیات فرهنگی در جامعه انقلاب اسلامی جاری است، امیدوار کننده می باشد و قادریم دورنمای حیاتی روشن را در سینمای انقلاب به تماشا بنشینیم.

حوزه اندیشه و هنر اسلامی، پایگاهی است فرهنگی جهت نشر اندیشه هایی برخاسته از جامعیت مکتبی اصالت دار و گواه این پندار تلاشی است که این مرکز در سالهای کوتاه حیاتش مستمر و پی گیر داشته است هر چند که در طول حرکت خویش به نوساناتی نیز بر می خورد که هر کدام بطریقی عاملی بوده اند بر ممانعت حرکت این مرکز نشر هنر اسلامی.

از ابتدای بیان که بگذریم و در تفسیر فیلم که بنشینیم آنچه را از اندیشه میگذرد، متن آشکارا و صریح با تماشاچی در میان گذاشته است و آن حاکم بودن سیاهی ها، علت ها و انگیزه های بوجود آمدن فضائی آلوده است تا در آن سردمداران ضدبشری چون زالونی آرمیده در گنداب خویش به تلاشی مذبحخانه بنشینند.

چهره های تکبیده و افتاده مردمان قهوه خانه و فضای زینت آلود و تشریفات فرمایشی اربابان زور و قدرت که سنگینی تن های انباشته خویش را بر محرومیت و در جهل نگاه داشتن توده های وسیع می پنداشتند را فیلم آشکارا و ساده حیات می بخشد.

به طنز گرفتن آنچه بر صفحه تلو یزیون در قهوه خانه میگذرد از طرف حاضرین و ضدیت فضای قهوه خانه با پخش تشریفات ورود نیکسون به ایران خود حکایت واقعیتی است جبری که وجود هریک از این دوگانگی ها بوجود دیگری ملزوم میباشد.

نزاع و تضادهای ذهنی و دگرگونی برخوردها با نحوه مبارزه و جریان تخریب در مقابل رژیم گندآلود و منحوس پهلوی دوگانه بودن ارزش های مبارزاتی را پیش روی تماشاگر عیان میکند و این مشخصه بارز کار سناریست است که آنرا در نمایشنامه «حصار در حصار» هم به تماشا نشستیم.

سناریست سعی بر روشن ساختن ارزشهای مبارزه بر مبنای بینش مذهبی را دارد که جریانی است پایدار در تاریخ و قائم بر خطی واقع اندیش که این ارتباط را به جهت داشتن اندیشه مبارزاتی بر مبنای توحید میداند.

این رد قیاسی و استدلالی اندیشه های ساختگی و بدور از اندیشه توحیدی مشخصه ای است آشکار که سناریست در خط کاری خویش سخت به آن معتقد و پای بند است. و گه گاه در طول کار نمایش نویسانی در اندیشه تماشاگر بوجود میآورد که همان دور نگه داشتن ذهن تماشاگر از آنچه که باید بگذرد میباشد. تا در لحظه ای معین واقعیت لازم شکل نماید و تأثیر روشن و عمیق بر تماشاگر بوجود آید.

نقش کارگردان در ارائه صحیح این اندیشه به تماشاگر قابل توجه و از قوت های مثبت این تولید سینمایی است هر چند که در کل اجرا خالی از اشکال هم نمی باشد.

اما به بیانی قاطع و معین میتوان این حرکت را جاری از نفوس پاک و تلاش های صادق و جامع جوانانی هنرمند دانست که با در اختیار گرفتن ابزار تولید و امکان بدست آوردن تجربیاتی وسیع تر، سینمایی را پی ریزند که سینما گران متعهد مسلمان و پیشرو در اندیشه دست یافتن به آنها و سینما را بعنوان ابزای بُرنده و قابل تأثیر اگر توانسته باشند در خدمت بیان ارزشهای مکتب در آورند، خود از رخ دادهای ماندنی و ارزشمند انقلاب اسلامی است که سینما در قالب دست آوردی مثبت بکار خواهد افتاد.

توجه از نگرشی دوباره به گذشته میگوید و چگونگی شکل پذیری هسته های مبارزاتی

و اینکه اگر بنیانی اصیل و ریشه دار مبنای این حرکت مبارزاتی را شکل ندهد چگونه در ستیز با عاملین حاکمیت های غیر اصولی، نا موفق و ناتوان خواهند ماند.

بروز اندیشه ای مذهبی در میان آنچه بر مبنای خط تشکیلاتی این هسته تخریبی میگذرد و چنان بر پیکر این تشکیلات تأثیر آفرین است که اهم مسائل سازمان را تحت الشعاع خویش قرار داده و از رو در رویی با واقعیت و نوع معین مبارزه بر مبنای اندیشه توحیدی دوری جسته و بطریقی با مأمورین ساواک برخورد میکنند که روح پایدار مقاومت را نیافته و سعی در گمراه کردن خویش دارند.

آنچه مداوم و پی گیر در حرکت فیلم بچشم میخورد بیان واقعیت های موجود جامعه شناسانه و بیان حاکمیت دیوسیرتان افیونی است که در مقابله با تلاش، اندیشه و تفکر دسته های مبارزاتی قرار دارد و بر اساس نداشتن پیوند عمیق روانی با آنچه در جامعه آن روز میگذرد و نبودن ارزشهای برخاسته از بینش عقیدتی و مبارزاتی در خط مبارزه خویش روشن و موفق عمل نکرده و ضربه پذیری آنها که نتیجه حضور محورهای فکری فرد در جمع است مبدایی میگردد بر فنا نمودن همان هسته مبارزاتی.

بهر حال وقتی بر اندیشه های که بیان فیلم را در بر می گیرد برخورداریم و معما حل نگردد جهتی را می یابیم که گرایش داشتن به آن خط معین و متکی بر واقعیت مبارزاتی، یعنی بینش اتکا بر مبنای توحید را در خط مبارزه می شکافد و این نتیجه، معنایی است که کمتر از ذهن تماشاگر با آنچه بر حواشی فیلم میگذرد شکل پذیرفته است.

بیان این حقیقت در این مقطع از حیات انقلاب اسلامی زبانی است گویا که تعمیم داده شده است. همه کلام و لب مطلب اینست که در جامعه شناسی نمیتوان قوانین تحول را بکار گرفت و بدلیل اقوی همواره نمیتوان به قوانین احتمالات رجوع نمود، زیرا حساب احتمالات وقتی آسان گیرترین اشکال آن هم باشد شاید نتواند راهگشای برخوردهای کلی با آنچه می بایست در سیریک مبارزه باشد بوجود آید.

اکنون سینمای انقلاب با این اراده میکوشد تا بر اساس ضوابطی اصولی و معین و خاص خود با حضور سینماگران آگاه در خصوص رویت نمودن ارزشهای یک حرکت سالم، به ابزاری گویا شکل پذیرد و این نویدی بر ظهور یک جریان سازنده و سالم همراه با حضور اندیشمندان و گزارشگران متعهد بر فضای عطر آگین سینمای بعد از انقلاب که در ساخت اجتماعی واحد نیازمند سوگند وفاداری و میثاق به ارزشهای الهی و انسانی است.

بدینسان می بینیم که پروبال سینمای جوان ارزشمند گشوده میشود و نسبت به خویش هویتی سالم می یابد و انشاء الله که پی در پی با اراده آثاری چشم گیر شاهد و نظاره گر حرکتی حیات بخش در ساخت سینمای متعهد اسلامی باشیم.

انشاء الله



پنهان بن موم استانی

● فیلم توبه نصوح

● دومین کار واحد سینمایی حوزه اندیشه و هنر اسلامی

● نویسنده و کارگردان: محسن مخملباف

● بازیگران: فرج الله، سلحشور- محمد کاسبی-... کاغذچی- بهزاد بهزادپور- عصمت

مخملباف- فاطمه رفسنجانی

● فیلم تاملی است عمیق در زندگی کارمندی بازشسته و «حیات» دوباره اش قابل ذکر است، نکات

ایدئولوژیک فیلم از آثار و نقطه نظرهای استاد شهید مرتضی مطهری و دومین شهید محراب آیت...

دستغیب به امانت گرفته شده است.

۶